

در یک نگاه

از آغاز هزاره جدید، نحوه تعیین ارزش منصفانه داراییها، بدهیها و حقوق صاحبان سهام از سوی شرکتها و برای مقاصد گزارشگری، اهمیت بیشتری یافته و با تغییرهای شگرفی همراه شده است.

• در دهه ۱۹۹۰، حرفه حسابداری و سرمایه‌گذاران به تدریج از الگوی حسابداری بهای تمام‌شده تاریخی به سمت الگویی گرایش پیدا کردند که بدون تعریف دقیق عناصر تشکیل‌دهنده «ارزش منصفانه»، برخی از اندازه‌گیریهایی ارزش منصفانه را در خود جای داده بود.

• تعداد زیاد ارزش‌گذاری اشتباه در مورد داراییهای «تحقیق و توسعه در جریان»، در دوره فراز و فرود فناوری در اواخر دهه

۱۹۹۰، توجه کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا (SEC)

را به فعالیت ارزش‌گذاری و اهمیت مشکلهای آن جلب کرد.

• استانداردهای جدید حسابداری در ارتباط با مواردی مانند ترکیبهای تجاری، سرقتی، و کاهش ارزش دارایی در اوایل قرن بیست‌ویکم پدیدار شد و زمینه شکل‌گیری الگوی فعلی حسابداری مبتنی بر ویژگیهای ترکیبی را فراهم کرد.

• وقوع رسواییهای گسترده و به‌تقریب هم‌زمان حسابداری آمریکا، در محیط به‌طور دائم متغیر و بحرانهایی مالی متعاقب آن (درست زمانی که استاندارد مبتنی بر اصول درباره نحوه اندازه‌گیری ارزش منصفانه معرفی شد)، سرآغاز قانون‌گذاری، تعریف قواعد و تدوین مقررات شد.

این رشد سریع، اکنون شرکتهای بخش عمومی را وادار کرده

ارزش‌گذاری در عصر ارزش منصفانه

ترجمه: دکتر مهدی ناظمی اردکانی

G. Forsythe



منصفانه درك كنند (فارغ از اينكه در داخل سازمان كار كنند يا خارج از آن). کاهش اين دسته از خطرهای مقرراتی و اعتباری در نهایت می‌تواند موجب افزایش ارزش برای سهامدار شود.

اندازه‌گیری ارزش منصفانه؛ ضرورتی در حال رشد

اقدامها و تحرکهای مقررات‌گذاران در امریکا و دیگر کشورها و نیز فعالیتهای متخصصان حسابداری و ارزش‌گذاری، حاکی از افزایش توجه به اندازه‌گیریهایی ارزش منصفانه است.

مقررات‌گذاران اوراق بهادار

در اوایل سال ۲۰۱۴، اندرو سرسني (Andrew Ceresney)، رئیس اجرایی کمیسیون بورس و اوراق بهادار امریکا، اعلام کرد که طبق بررسیهای انجام‌شده روی پرونده شکایتهای «تقریباً خاتمه‌یافته» دوران بحران مالی، گزارشگری مالی و تقلب حسابرسي، «جبهه‌های آینده» فعالیت مقررات‌گذاران اوراق بهادار هستند.^۱ در دیگر نقاط دنیا نیز سازمانهای مقررات‌گذاری ملی (که همانند کمیسیون بورس و اوراق بهادار امریکا عضو سازمان بین‌المللی کمیسیونهای بورس اوراق بهادار (IOSCO) هستند)، بیش از گذشته به بررسی این موضوعها می‌پردازند. پیش‌بینی سرسني، حاصل مجموعه‌ای از تحقیقات اجرایی کمیسیون بورس و اوراق بهادار امریکا در سالهای ۲۰۱۳-۲۰۱۲ بود که روی اشکالها و تقلبهای مطرح‌شده در زمینه مسائل ارزش‌گذاری تمرکز داشتند.^۲ این کمیسیون در خصوص تخلفهایی مانند اعلام بیش از حد داراییها، فریب‌دادن سرمایه‌گذاران با زیاد کردن ارزش اموال و خرید مجدد سهام با قیمتهای بسیار کمتر از حد واقعی، علیه شرکتها اقدام کرد. در سال ۲۰۱۳ نیز کمیسیون بورس و اوراق بهادار امریکا اعلام کرد که کارگروه گزارشگری مالی و حسابرسي با هدف شناسایی گزارشهای مالی متقلبانه یا نادرست، تشکیل شده است.^۳

زمینه‌ساز تشکیل این حرکت، اظهارات پل بسویک (Paul A. Beswick) قائم‌مقام حسابدار ارشد وقت کمیسیون بورس و اوراق بهادار امریکا در سال ۲۰۱۱ بود که اهمیت موضوع اعتباربخشی حرفه‌ای ارزش‌گذاری را افزایش داد. طبق اظهارات بسویک، متخصصان ارزش‌گذاری "... به دلیل نبود يك هویت واحد، متمایز از دیگر فعالان اصلی در فرایند گزارشگری مالی هستند."^۴ بسویک با اشاره به

است تا کیفیت اندازه‌گیری ارزش منصفانه را نسبت به قبل افزایش دهند (اندازه‌گیریهایی و موارد افشایی با یکپارچگی، اثبات‌پذیری و قابلیت حسابرسي بالاتر).

پاسخ به این نیازها ساده نیست. اندازه‌گیری ارزش منصفانه می‌تواند پیچیده و گیج‌کننده باشد؛ به‌ویژه زمانی که هیچ بازاری برای کمک به برآورد ارزش منصفانه داراییها، بدهیها یا حقوق صاحبان سهام واحد تجاری وجود ندارد. در عین حال، مقررات‌گذاران در حال بررسی دقیق صورتهای مالی هستند. به دلیل این اعمال دقت، مسئولیتی ایجاد می‌شود که از طریق ساختار مالی سازمان بر عهده مدیر شرکت، هیئت‌مدیره، متخصصان ارزش‌گذاری و حسابرسان گذاشته می‌شود. این افراد نیز در حل برخی از مسائل با مشکل مواجه می‌شوند.

یکی از دغدغه‌هایی که در سالهای اخیر اهمیت یافته و بسیاری از مقررات‌گذاران، هیئتهای استانداردگذاری و متخصصان حسابداری و ارزش‌گذاری به آن اشاره کرده‌اند، این موضوع است که آیا تهیه‌کنندگان صورتهای مالی، مشاوران آنها در زمینه ارزش‌گذاری و حسابرسان، برای مشارکت در جنبه‌های مختلف برآورد و حسابرسي اندازه‌گیریهایی ارزش منصفانه در این محیط جدید، آماده و واجد شرایط هستند یا خیر؟ با افزایش پیچیدگی بازار مالی، پاسخگویی به این پرسش نیز دشوارتر شده است.

آموزش ذینفعان مختلف در ارتباط با مسائل اصلی مرتبط با اندازه‌گیری ارزش منصفانه، بیش از پیش اهمیت یافته است. کیفیت و یکپارچگی بیشتر اندازه‌گیریهایی ارزش منصفانه که مدیران شرکتها در اختیار حسابرسان قرار می‌دهند، به حل برخی از مشکلات کمک می‌کند. این مشکلات در حال حاضر باعث تقابل مقررات‌گذاران و سرمایه‌گذاران با گزارشهای مالی شرکتها شده است. آموزههای گسترده درباره ارزش منصفانه می‌تواند موجب افزایش توانایی حسابرسان در حسابرسي اندازه‌گیریهایی ارزش منصفانه، ارتقای اهمیت تخصصهای ارزش‌گذاری و حسابرسي، و تأثیرگذاری بر دستور کارهای آینده استانداردگذاران و مقررات‌گذاران شود. افزون بر این، آموزش رهبران تجاری و مدیران اجرایی شرکتها در زمینه ارزش‌گذاری به آنها کمک می‌کند تا ضرورت و اهمیت حضور متخصصان مجرب ارزش منصفانه را در هنگام برآورد ارزش

اینکه متخصصان امریکایی می‌توانند از سازمانهای مختلفی مجوز بگیرند، اعلام کرد که "به دلیل ماهیت گسسته این حرفه، محیطی ایجاد شده است که در آن بین انتظارهای ارزش‌گذاران، مدیران و حساب‌رسان و نیز استانداردها و مقررات‌گذاران، شکاف به وجود آمده است."^۵

اقدامهای اخیر کارکنان کمیسیون بورس و اوراق بهادار امریکا که در سخنرانیهای کمیسیون بورس و اوراق بهادار امریکا به آنها اشاره شده، کمتر شناخته شده‌اند. هدف این اقدامها، شناسایی پتانسیل تحریف اطلاعات گزارشهای مالی به دلیل نقص اطلاعات در کنترل‌های داخلی ناظر بر گزارشگری مالی است (حتی اگر کاستیهای شناسایی شده در اطلاعات موجب تحریف اطلاعات نشده باشد). اندازه‌گیری ارزش منصفانه به‌طور دقیق در دسته موضوعهایی قرار می‌گیرد که وجود کنترل‌های داخلی در آنها ضروری است. یکی از دغدغه‌های جدید مقررات‌گذاران این است که مدیران شرکتها به‌صورت مستمر از این کنترلها استفاده و اثربخشی آنها را بررسی نمی‌کنند و در عین حال در صورت وجود نقص در اطلاعات، به میزان کافی در حساب‌رسیها به آنها اشاره نمی‌شود.

مقررات‌گذاران حساب‌رسی

هیئت نظارت بر حساب‌داری شرکت‌های سهامی عام امریکا (PCAOB)، یک بنگاه غیرانتفاعی است که براساس قانون ساربنز-اکسلی (Sarbanes-Oxley) مصوب سال ۲۰۰۲ تشکیل شده است و زیر نظر کمیسیون بورس و اوراق بهادار امریکا فعالیت می‌کند. هدف این بنگاه‌ها حمایت از سرمایه‌گذاران امریکایی و منافع عمومی از طریق نظارت بر حساب‌رسی شرکت‌های با منافع عمومی است. طبق اظهارات جیمز دوتی (James R. Doty) رئیس هیئت نظارت بر حساب‌داری شرکت‌های سهامی عام امریکا: "هیئت نظارت بر حساب‌داری شرکت‌های سهامی عام امریکا و مقررات‌گذاران خارجی در زمینه حساب‌رسی به این نتیجه رسیده‌اند که رعایت الزامهای حساب‌رسی مربوط به اندازه‌گیری ارزش منصفانه، یکی از موضوعهای همواره مهم است."^۶

طبق اعلام دوتی، افزایش نگرانیها درباره اندازه‌گیری ارزش منصفانه و موارد افشا به امریکا محدود نمی‌شود. نتایج پیمایش سال ۲۰۱۳ مجمع بین‌المللی مراجع مستقل

نظارت بر حساب‌رسی (IFIAR) در یکی از کشورهای عضو، نشان می‌دهد که اندازه‌گیری ارزش منصفانه یکی از مهم‌ترین موضوعهای بازرسی در حساب‌رسی شرکت‌های عضو بورس است.^۷

در دسامبر سال ۲۰۱۳ و زمانی که از دیوید توئیدی (David Tweedie) رئیس شورای بین‌المللی استانداردهای ارزشیابی (IVSC) برای عضویت سه ساله در گروه مشورتی مستقل (SAG) هیئت نظارت بر حساب‌داری شرکت‌های سهامی عام امریکا دعوت به عمل آمد، اهمیت روزافزون توجه به کیفیت و یکپارچگی اندازه‌گیری ارزش منصفانه در گزارشگری مالی مشخص تر شد.

در تابستان سال ۲۰۱۴، هیئت نظارت بر حساب‌داری شرکت‌های سهامی عام امریکا درباره سند مشورتخواهی کارشناسان هیئت در زمینه فعالیتهای استانداردگذاری هیئت در مورد حساب‌رسی برآوردهای حساب‌داری و اندازه‌گیری ارزش منصفانه، دست به نظر‌سنجی عمومی زد. همان‌گونه که در آن سند آمده است، کارشناسان هیئت نظارت بر حساب‌داری شرکت‌های سهامی عام امریکا در حال بررسی برای تهیه "استاندارد واحد حساب‌رسی برآوردهای حساب‌داری و اندازه‌گیری ارزش منصفانه‌ای بودند که هیئت در جایگزینی استانداردهای موجود، معرفی کند."^۸ طبق آن سند، این استاندارد "می‌تواند روش جامع‌تری برای حساب‌رسی برآوردهای حساب‌داری و اندازه‌گیری ارزش منصفانه فراهم کند که به بهبود عملکرد یکپارچه‌تر حساب‌رس، کمک می‌کند."^۹

استانداردهای حساب‌داری

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۳ (IFRS 13) با عنوان «اندازه‌گیری ارزش منصفانه»، رهنمود جهانی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه و افشای آن اندازه‌گیریه‌ا ارائه می‌کند. استاندارد «اندازه‌گیری ارزش منصفانه» که از سوی هیئت استانداردهای بین‌المللی حساب‌داری (IASB) [و استاندارد ۸۲۰، در امریکا که از سوی هیئت استانداردهای حساب‌داری مالی (FASB) در سال ۲۰۱۱ منتشر شده]، یک استاندارد جهانی همگرا شده است.^{۱۰}

استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۳ و استاندارد ۸۲۰، سلسله‌مراتبی برای ارزش منصفانه تعریف می‌کنند که

تهیه استانداردهای حرفه‌ای بین‌المللی برای متخصصان ارزش‌گذاری؛ مقاله سیاستی، با عنوان «همگرایی نظارتی جهانی و حرفه ارزش‌گذاری»؛ و مقاله «راهنمای فرایند حسابرسی برای متخصصان ارزش‌گذاری».

• مقاله‌ای که برای بحث منتشر شده بود، لزوم تهیه و انتشار مجموعه‌ای از استانداردهای بین‌المللی باکیفیت در زمینه آموزش، توسعه، ارزیابی و رفتار متخصصان ارزش‌گذاری را در جهت تحقق منافع عمومی، مطرح می‌کند. این پروژه مهم هم‌اکنون در حال اجرا است.^{۱۱}

• مقاله سیاستی، درباره اهمیت همگرایی نظارتی در ارتباط با نظام مالی جهانی و نقش حیاتی حرفه ارزش‌گذاری در تولید اطلاعات مالی مورد استفاده سرمایه‌گذاران و دیگر ذینفعان برای تصمیم‌گیری در بازارهای مالی، بحث می‌کند.^{۱۲}

• هدف راهنمای منتشر شده، کمک به ارتقای آن دسته از متخصصان ارزش‌گذاری است که برای کمک به واحدهای گزارشگر در تهیه صورتهای مالی یا کمک به حساب‌رسان و متخصصان ارزش منصفانه در حسابرسی اندازه‌گیریهای ارزش منصفانه، ارزش‌گذاری‌ها را تهیه می‌کنند.^{۱۳}

آن دسته از متخصصان ارزش‌گذاری که مسئول بهبود کیفیت ارزش‌گذاری هستند (به‌ویژه زمانی که این کار در جهت منافع عمومی است)، برای افزایش شناخت عمومی از این حرفه، همچنان باید با یکدیگر همکاری کنند.

چالشهای تحقق انتظارات

با توجه به اینکه بهبود کیفیت و یکپارچگی اندازه‌گیریهای ارزش منصفانه در گزارشگری مالی بیش از پیش اهمیت یافته است، تقاضا برای متخصصان ارزش‌گذاری، حساب‌رسان، و سازمانهای ارائه‌کننده خدمات نیز در حال افزایش است. با تداوم سیر تکاملی از الگوی بهای تمام‌شده تاریخی به سمت الگوی ویژگیهای ترکیبی و (به احتمال) به سمت الگوی نهایی حسابداری ارزش منصفانه، حرفه حسابرسی (که بیش از پیش تحت نظارت قرار گرفته است)، تلاش می‌کند تا درک بیشتری از ارزش منصفانه و نحوه حسابرسی در محیط مبتنی بر اصول پیدا کند.

یکی از اصول مهمی که بر نظارت کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا و هیئت نظارت بر حسابداری شرکتهای سهامی

داده‌های روشهای ارزش‌گذاری مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه را به سه سطح تقسیم می‌کند. در سلسله‌مراتب ارزش منصفانه، قیمت‌های اعلام‌شده (تعدیل‌نشده) در بازارهای فعال داراییها یا بدهیهای مشابه دارای بیشترین اولویت (داده‌های سطح ۱) و داده‌های مشاهده‌ناپذیر (داده‌های سطح ۳)، دارای کمترین اولویت هستند. برآورد ارزش منصفانه از طریق داده‌های سطح ۳ به‌طور معمول به دلیل نبود اطلاعات بازار با مشکلات ذاتی همراه است.

همگرایی استانداردهای بین‌المللی و استانداردهای آمریکا در زمینه اندازه‌گیری ارزش منصفانه برای ایجاد مجموعه انتظارات یکسان در سطح جهانی، بسیار مهم بود. افزایش به‌هم‌پیوستگی نظام مالی جهانی و فعالیت و حضور شرکتهای دولتی در چندین کشور غیر از کشور مبدأ، تدوین چنین استانداردی را ایجاب می‌کرد. در بخش بعدی، درباره یکی از گزارشهای سیاستی شورای بین‌المللی استانداردهای ارزشیابی صحبت می‌کنیم که به اهمیت تداوم همگرایی استانداردها، انتظارات و آموزش در سطح جهانی می‌پردازد.

اقدامهای حرفه ارزش‌گذاری

بخش خصوصی از طریق چندین سازمان مستقل استانداردگذاری و حرفه‌ای، در تعریف استاندارد ارزش‌گذاری و توسعه حرفه ارزش‌گذاری فعالیت می‌کند. از جمله این سازمانهای غیرانتفاعی می‌توان به شورای بین‌المللی استانداردهای ارزشیابی، بنیاد ارزیابی (TAF)، انجمن حسابداران رسمی آمریکا (AICPA)، و انجمن ارزیابیهای آمریکا (ASA) اشاره کرد.

شورای بین‌المللی استانداردهای ارزشیابی در کنار اعضا و حامیانی مانند تأمین‌کنندگان خدمات حرفه‌ای، استانداردگذاران و سازمانهای حرفه‌ای ارزش‌گذاری (مانند سازمانهای یادشده) به تدوین استانداردهای باکیفیت ارزش‌گذاری در سطح بین‌المللی و ارتقای عملکرد و وجهه حرفه ارزش‌گذاری در سطح جهان می‌پردازد.

طی چند سال گذشته، شورای بین‌المللی استانداردهای ارزشیابی از طریق انجمن حرفه‌ای خود سه سند بسیار مهم را در ارتباط با موارد مورد بحث در این مقاله منتشر کرده است: مقاله‌ای برای بحث، با عنوان «طرح پیشنهادی

عام امریکا تأثیر می‌گذارد، ریسک تحریف با اهمیت است، و اندازه‌گیری ارزش منصفانه یکی از عوامل اصلی درونی برای وقوع این نوع مشکلها است؛ اعم از اینکه از کمبود دانش، خطا یا تقلب ناشی شود. در نتیجه، اکنون انتظارها درباره کیفیت و اثبات‌پذیری اندازه‌گیریهای ارزش منصفانه بیش از هر زمان دیگری است. این موضوع باعث می‌شود تا جامعه به نسبت کوچک متخصصان ارزش‌گذاری که تحلیل‌های ارزش منصفانه را برای شرکتهای عضو بورس انجام می‌دهند، تلاششان را مضاعف کنند.

در امریکا، تعداد کمی از این متخصصان سابقه فعالیت طولانی در حوزه گزارشگری مالی دارند و برخی از آنها مدارکی مانند تحلیلگر مالی رسمی، ارزیاب ارشد رسمی جامعه ارزیابیهای امریکا، یا مجوز ارزش‌گذاری شرکتهای را (که از سوی جامعه حسابداران رسمی امریکا منتشر می‌شود)، در اختیار دارند.

با وجود این، مدیران عامل شرکتهای عضو بورس از افرادی در داخل شرکت و بیرون از آن برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه استفاده می‌کنند که آموزش خاصی در مورد این فرایند ندیده‌اند یا تجربه‌ای ندارند. در نتیجه، با اینکه هیئت نظارت بر حسابداری شرکتهای سهامی عام امریکا و حساب‌رسان برای ارائه ارزش‌گذاری یکپارچه‌تر و اثبات‌پذیر تحت فشار قرار دارند، بسیاری از فعالان در این زمینه از عناصر تشکیل‌دهنده اندازه‌گیری ارزش منصفانه اطلاعی نداشته و توانایی ارائه آن را نیز ندارند.

یکی از نمونه‌های ساده این پدیده، ارزش‌گذاری ابزار مالی است: تحلیلگران روشهای مقداری در بانکها که اندازه‌گیری ارزش منصفانه را برای ابزار مالی تهیه می‌کنند، به طور معمول جزو متخصصان ارزش‌گذاری نیستند، و روشهای مورد استفاده در این اندازه‌گیریها به طور معمول پشت نقاب فعالیت‌های «اختصاصی» پنهان می‌شود. در نتیجه، ممکن است حساب‌رسان و مقررات‌گذاران در بررسی صحت برآوردهای ارزش منصفانه با مشکل‌های جدی مواجه شوند (مدیران ارشد اجرایی بانکها که پای گزارشهای مالی حاوی این برآوردها را امضا می‌کنند، نیز از این قضیه مستثنی نیستند).

فشار بر نظام مالی - اثر ارزش منصفانه

به دلایل مختلف، تمرکز اصلی استانداردها و گزارشگران حسابداری در هنگام توسعه مفاهیم بنیادی اندازه‌گیری ارزش منصفانه،

بر ابزار مالی پرمعامله است. این نوع اندازه‌گیریهای ارزش منصفانه که براساس مطالب قبلی «سطح ۱» نامیده می‌شود، به طور عمده با قیمتهای اعلام‌شده در بازارهای فعال سروکار دارد. اندازه‌گیریهای «سطح ۲» از اطلاعات بازار داراییهای مشابه و اطلاعات مشاهده‌پذیر مستقیم استفاده می‌کنند.

پیچیدگیهای برآورد ارزش منصفانه گاهی اوقات در اندازه‌گیریهای سطح ۲ نمایان می‌شود (برای مثال، در اوراق بهادار کم‌معامله)؛ اما اغلب در اندازه‌گیریهای «سطح ۳» رخ می‌دهد. این داراییها در بازار خریدوفروش نمی‌شوند، هیچ دارایی مشابهی در بازار ندارند که بتوان از آن در فرایند اندازه‌گیری ارزش منصفانه استفاده کرد و جستجو و پشتیبانی از داده‌های مشاهده‌ناپذیر بسیار دشوار است. روشهای ارزش‌گذاری برخی از این داراییها، بدهیها و ابزار مالکیت نیز همچنان در حال تکامل هستند؛ زیرا حرفه ارزش‌گذاری کوشش می‌کند وقتی بازاری برای داراییها و بدهیها وجود ندارد، بازاری را برای ارزش‌گذاری آنها شبیه‌سازی کند. به طور کامل مشخص است که چرا در اندازه‌گیریهای ارزش منصفانه این دسته از داراییها، احتمال بروز ابهام و بی‌ثباتی اندازه‌گیری زیاد است و چرا مشکل‌های حسابرسی چنین اندازه‌گیریهایی، موجب ایجاد فشار در نظام گزارشگری مالی می‌شوند.

افزون بر این، خود چارچوب حسابداری، مشکل‌های دیگری را نیز به وجود آورده است. برای مثال، آزمون کاهش ارزش سرقفلی را در نظر بگیرید.^{۱۴} در این تحلیل، فرض کنید که ارزش ثبت‌شده واحد گزارشگر (که سهامی عام نیست) برابر با ۱۰۰ میلیون دلار است. برای مقایسه با ارزش ثبت‌شده، ارزش منصفانه واحد گزارشگر باید برآورد شود. از دیدگاه حسابداری، اگر ارزش واحد گزارشگر از ۱۰۰ میلیون دلار کمتر باشد، ارزش سرقفلی در واقع کاهش پیدا می‌کند؛ اما در مقادیر ۱۰۰ میلیون دلار و بالاتر این طور نیست. گاهی اوقات اندازه‌گیریهای ارزش منصفانه را تنها می‌توان در یک محدوده منطقی انجام داد، و گاهی اوقات، محدوده منطقی ارزش منصفانه واحد گزارشگر می‌تواند بیشتر از ارزش ثبت‌شده ۱۰۰ میلیون دلار باشد. در این شرایط، به منظور رعایت استاندارد حسابداری، به برآورد نقطه‌ای نیاز داریم، و همین موضوع مشکل‌های دیگری را ایجاد می‌کند که ممکن است کل سازمان (از حساب‌رسان گرفته

تعیین شده ارزش گذاری، مناسب‌ترند. افزون بر این، نهادهای دولتی می‌توانند مشکلات احتمالی ناشی از قواعد اعمال شده برای شرکتها (مانند پیامدهای نامطلوب) را شناسایی کنند. این همگرایی در میان ذینفعان موجب می‌شود که این گروه‌ها در کنار یکدیگر و از طریق اقدامهای مناسب استانداردگذاری و مقررات‌گذاری، برای ارتقای کیفیت اندازه‌گیری ارزش منصفانه در گزارشگری مالی تلاش کنند.

این گروه‌ها می‌توانند از آموزش در جنبه‌های مختلف فرایند ارزش‌گذاری بهره‌مند شوند:

- دانش، مهارتها، ارزشها، موارد اخلاق و نگرشهای حرفه‌ای که از متخصصان ارزش‌گذاری فعال در حوزه گزارشگری مالی انتظار می‌رود،

- پیچیدگی فعالیت ارزش‌گذاری و استفاده آن از اطلاعات منابع مختلف، مانند مدیران شرکت،

- شناخت چرخه عمر رویدادها و مسئولیتهای گروه‌های مختلف درگیر در هنگامی که اندازه‌گیری ارزش منصفانه برای مقاصد گزارشگری مالی لازم است و حسابرسی می‌شود،

- آگاهی از محدودیتهای دقت ارزش‌گذاری در هنگامی که با حجم زیادی از داده‌های سطح ۳ سروکار داریم، و

- نیاز به یک نتیجه اثبات‌پذیر و قابل حسابرسی در زمینه ارزش منصفانه که استفاده از داده‌های مشاهده‌پذیر مرتبط را افزایش می‌دهد و موجب کاهش استفاده از داده‌های مشاهده‌ناپذیر می‌شود. افزایش شناخت ذینفعان سازمانی (به‌ویژه مدیران ارشد مالی، کنترل‌کننده‌ها و کمیته‌های حسابرسی) از فعالیت ارزش‌گذاری نیز به نفع آنها است. در این حالت، آنها بهتر می‌توانند مشخص کنند که آیا امکانات داخلی برای اجرای ارزش‌گذاریها مناسبند یا خیر، ویژگیهای خدمات‌دهندگان بیرونی را ارزیابی کنند، و کنترلهای داخلی مناسب و ضروری را برای کمک به رهبران سازمانی در توجه به ارزش‌گذاری و فراهم ساختن ارزش‌گذاری باکیفیت برای حسابسان تعیین کنند.

مزایای افزایش کیفیت ارزش منصفانه

رسواییها، بحرانها و افزایش تقاضا برای پاسخگویی، آغازگر روندی توقف‌ناپذیر در جهت افزایش کیفیت اندازه‌گیری ارزش

تا متخصصان ارزش‌گذاری تا مدیران اجرایی که در نهایت مسئول نتایج هستند) را گرفتار کند. یکی دیگر از دغدغه‌های جدید مقررات‌گذاران، سرمایه‌گذاران و دیگر کاربران صورتهای مالی، احتمال جانبداری مدیران در اندازه‌گیری ارزش منصفانه (به‌ویژه در سطح ۳) است. با توجه به افزایش تمرکز بر فعالیتهای متقلبان در سالهای اخیر و آگاهی تدریجی از این موضوع که متغیرهای متعددی در اندازه‌گیری ارزش منصفانه وجود دارند (متغیرهایی که اغلب از سوی مدیران شرکتها ارائه می‌شود یا براساس «قضاوت حرفه‌ای» متخصصان ارزش‌گذاری شاغل در شرکت تعیین می‌شود)، حسابسان و متخصصانشان در زمینه ارزش منصفانه در هنگام حسابرسی اندازه‌گیری ارزش منصفانه، باید تردید حرفه‌ای بیشتری به خرج بدهند.

هنجارهای حرفه‌ای تاریخی نیز می‌تواند مشکلاتی در نظام ایجاد کند. برای نمونه، تحلیلگران روشهای مقداری در نهادهای مالی که به ارزش‌گذاری برخی از ابزار مالی (مانند اوراق بهادار با پشتوانه رهنی) می‌پردازند، به‌طور معمول ذهنیت «جعبه سیاه» دارند. در فضای کنونی شفافیت و اثبات‌پذیری نتایج ارزش منصفانه، ادامه این ذهنیت برای حسابسان و مقررات‌گذاران دشوار است. حتی اگر شرکت بخواهد اطلاعات لازم را برای کمک به اندازه‌گیری ارزش منصفانه ارائه کند، به‌طور معمول شناختی از میزان اطلاعات لازم در محیط کنونی ندارد یا توانایی تولید آن اطلاعات را ندارد.

آموزش؛ محل همگرایی منافع اصلی

مقررات‌گذاران، حسابداران، حسابسان و متخصصان ارزش‌گذاری، همگی خواستار شفافیت بیشتر و درک بهتر الزامها و فرایندهای ارزش منصفانه هستند. و منافع آنها اغلب به‌شکل مطالبه استانداردها بیان می‌شود، اما استانداردها معجزه نمی‌کنند. اگر افرادی که به اجرا، بررسی و استفاده از ارزش‌گذاریها می‌پردازند، آموزش کافی ندیده باشند، این فرایند همچنان در معرض خطا و سوءتفاهم خواهد بود.

حسابداران و حسابسان بهتر می‌توانند مفهوم ارزش‌گذاری و ارزش منصفانه را درک کنند. بسیاری از متخصصان ارزش‌گذاری برای ایفای نقش و اجرای یکپارچه‌تر روشهای

120511pab.htm

6- http://pcaobus.org/News/Releases/Pages/08192014_Consultation_Paper.aspx

7- https://www.ifiar.org/IFIAR/media/Documents/IFI-ARMembersArea/MembersUpdates/IFIAR-Inspection-Survey-9-April-2014_1.pdf

8- http://pcaobus.org/Standards/Documents/SCP_Auditing_Accounting_Estimates_Fair_Value_Measurements.pdf

9- http://pcaobus.org/Standards/Documents/SCP_Auditing_Accounting_Estimates_Fair_Value_Measurements.pdf

۱۰- هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، **استاندارد ۱۵۷ (FAS 157)** با عنوان «اندازه‌گیری ارزش منصفانه» را در سپتامبر سال ۲۰۰۶ منتشر کرد و پس از آن با توجه به الزامهای اصول پذیرفته‌شده حسابداری آمریکا، آن را در قالب استاندارد ۸۲۰ اصلاح و تدوین کرد و به‌طور هم‌زمان، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری در مه ۲۰۱۱ این استاندارد را به‌شکل هماهنگ و با عنوان «استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۳»، منتشر کرد.

۱۱- «طرح پیشنهادی استانداردهای بین‌المللی حرفه‌ای برای متخصصان ارزش‌گذاری»، هیئت حرفه‌ای شورای بین‌المللی استانداردهای ارزش‌گذاری، ۷ نوامبر ۲۰۱۳.

http://www.ivsc.org/sites/default/files/Discussion%20Paper%20International%20Professional%20Standards%20final_0.pdf

۱۲- «هم‌گرایی جهانی نظارتی و حرفه ارزش‌گذاری»، هیئت حرفه‌ای شورای بین‌المللی استانداردهای ارزش‌گذاری، ۷ نوامبر ۲۰۱۳.

<http://www.ivsc.org/sites/default/files/Global%20Regulatory%20Convergence%20and%20the%20Valuation%20Profession%20final%20May%202014.pdf>

۱۳- «راهنمای فرایند حسابرسی برای متخصصان ارزش‌گذاری»، شورای بین‌المللی استانداردهای ارزش‌گذاری، ژانویه ۲۰۱۴.

<http://www.ivsc.org/sites/default/files/Valuers%20Guide%20to%20Audit%20-%20Released%20ED.pdf>

۱۴- برای کسب اطلاعات بیشتر درباره نقش ارزش‌گذاری در کاهش ارزش سرقفی، لطفاً به دو گزارش رسمی دیلویت مراجعه کنید؛ «معضل کاهش ارزش سرقفی» در نشانی زیر:

deloitte.wsj.com/cfo/files/2013/02/goodwill_impairment_dilemma.pdf

و «به حداقل رساندن اختلاف کاهش ارزش سرقفی در سطح جهان» در نشانی زیر:

www2.deloitte.com/content/dam/Deloitte/us/Documents/finance/us-fas-minimizing-goodwill-impairment-differences-globally-110113.pdf

منصفانه (از سوی فعالان مجرب‌تر در زمینه ارزش‌گذاری) بوده‌اند. اجرای یکسان استاندارد ارزش‌گذاری، یکی از مبانی مهم دستیابی به این هدف است. با وجود این، درک کامل انتظارات از محیط استفاده از اندازه‌گیری ارزش منصفانه برای افراد متقاضی مشارکت در این فرایند، دارای اهمیت است. در دهه اخیر، موفقیت‌هایی در زمینه بهبود کیفیت اندازه‌گیری ارزش منصفانه به‌دست آمده است؛ اما، همچنان باید فعالیت‌های بیشتری صورت گیرد و در سالهای آینده باید در این راستا تلاش‌هایی انجام شود.

این موضوع به‌طور خاص برای مدیران عامل شرکت‌های عضو بورس مصداق پیدا می‌کند. این افراد مسئولیت دارند دیگر افراد سازمان را برای انجام اندازه‌گیری‌های ارزش منصفانه هدایت کنند، به خدمات‌دهندگان خارج از سازمان اطلاعات بدهند، این اندازه‌گیری‌ها را به حساب‌سازانشان ارائه کنند و از منطقی بودن و قابلیت تأیید آنها اطمینان حاصل کنند و در نهایت، پای گزارش‌های مالی را امضا کنند.

نکته مهم آن است که چون شرکت‌های سهامی عام الزام‌های زیادی در زمینه ارزش منصفانه در گزارش‌های مالی‌شان دارند، با تمرکز بر این مشکل‌ها می‌توانند به کاهش خطرهای حسابرسی و مقررات‌گذاری بپردازند، اعتبارشان را در جامعه سرمایه‌گذاری افزایش دهند و در نهایت، ارزش سازمانها را در بازار ارتقا دهند.



منبع:

Forsythe G., **Valuation in the Fair Value Era**, Deloitte, 2015

پانوشته‌ها:

1- <http://blogs.wsj.com/cfo/2014/06/17/sec-official-financial-reporting-audit-fraud-are-next-frontier/?KEYWORD=sec+and+audit+fraud>

2- <http://www.bna.com/sec-turns-focus-to-valuation-issues>

3- <http://www.sec.gov/News/PressRelease/Detail/PressRelease/1365171624975#.VB0GbhaKVEM>

4- <http://www.sec.gov/news/speech/2011/spch-120511pab.htm>

5- <http://www.sec.gov/news/speech/2011/spch->

